

متن پیاده سازی شده جلسه سی و یکم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 5 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که در جلسه قبل گفتیم که برخی اینگونه به آیه نبا تمسک کرده اند؛ آیه صدری دارد و ذیلی و ذیل آیه ان تصیبوا بجهاله ... است و جهالت در مقابل علم است.

مرحوم شیخ فرمود: آقایان مخالفین وقتی خداوند می فرماید فتیینوا مرادش این است که جستجو کنید تا به اطمینان برسید و تبیین هم که موضوعیت ندارد و نسبت به خبر عادل ما اطمینان داریم و لذا خبر عادل تبیین نمی خواهد و این معنای حجیت خبر عادل است.

ممکن بود کسی به شیخ بگوید پس اگر ما از خبر فاسق هم به اطمینان رسیدیم تبیین لازم نداریم. شیخ حواش جمع است و می فرماید: از خبر فاسق ممکن است ما به اطمینان برسیم اما این اطمینان دوام ندارد و لذا وجوب تبیین همچنان لازم است.

مرحوم آخوند می فرماید: جهالت در آیه به معنای سفاهت است یعنی کاری که نابخردانه باشد؛ قرآن می فرماید در اخبار فاسق جستجو کنید تا کار نابخردانه نکنید؛ مورد آیه هم همین است و لید بن عقبه که فسقش بعداً معلوم شد رفت از قبيله ای زکات بگیرد سریع توهم کرد که آنها می خواهند او را بکشند برگشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله این خبر را داد رسول مکرم تاملی کرد اما برخی مسلمان ها عجله داشتند تا بجنگند و... پیامبر فرمود من کسی را می فرستم که مثل نفس من است و امیر المومنین علیه السلام را فرستادند

قرآن می فرماید عمل سفیهانه نکنید مرحوم آخوند می فرماید ما سوال می کنیم که آیا اخذ به خبر واحد عادل مصداق عمل سفیهانه است؟ آیه اصلاً ربطی به خبر عادل ندارد.

استاد علیدوست: من در اینجا سه عرض دارم.

1: مرحوم شیخ فرمود وجوب تبیین موضوعیت ندارد بلکه طریق است برای حصول اطمینان و.... این قابل انکار نیست و کسی که با ادبیات زبان آشنا باشد می پذیرد اما اینکه مرحوم شیخ فرمود مراد از جهالت یعنی تردید و شک است این را قبول نداریم مرحوم شیخ چه سندی برای این کلام دارند حتی همین اشکال را به مرحوم آخوند هم داریم که ایشان چرا جهالت را به معنای سفاهت معنا کرده اند.

مخالفین می گویند جهالت یعنی عدم علم مرحوم شیخ می فرماید مراد تردید است و مرحوم آخوند می گوید مراد سفاهت است و ما به این نوع معنا کردن بدون ارائه سند اشکال داریم.

عرض دوم ما اینکه مرحوم شیخ فرمود اطمینان به خبر فاسق زود زائل می شود و.... ما این کلام مرحوم شیخ را قبول نداریم؛ ممکن است کسی یهودی باشد اما متحرز از کذب باشد چه اشکالی دارد که به کلام آنها اخذ کنیم.

آیا مراد از جهالت چیست؟

آیا مراد عمل بدون علم است یا مراد عمل شتاب زده و بدون تانی است؟

در جمهرة اللغه ابن درید گوید: الجهل ضد الحلم.. جهل، یجهل، جهلاً و جهالة... و وقتی به حلم می رسد آن را ضد سبک مغزی و شتاب کاری می داند.

خلیل گوید: الجهاله ان تفعل فعلاً بغیر علم....

ابن فارس: می گوید ج ه ل، اصلان این کلمه دو اصل و معنای جدا دارد یکی از معانی خلاف علم بودن است و معنای دیگر

خفه است و خلاف طمانینه است.

راغب: می گوید الجهل علی ثلاثه أضرب : الاول خلو النفس من العلم هذا هو الاصل و الثانی الاعتقاد الشی بخلاف ما هو علیه (جهل مرکب) و الثالث فعل الشی بخلاف ما حقه ان يفعل
زمخشری ذیل آیه می گوید : یعنی الجاهلین بحقیقه الامر (یعنی در حالی که کنه قصه را نمی دانید) ایشان به عدم العلم بر گرداند.

طبری در جامع البیان می فرماید: در این داستان پیامبر فرمود التبین من الله و العجله من الشیطان ..گویا عجله مصداق جهالت است.

آنچه که ما نتیجه می گیریم این است که جهالت به معنای عدم العلم درست است و به معنای شتاب زدگی هم درست است همچنین معانی که در بالا هم گفتیم برای جهالت به کار رفته است.

نکته: به هر شتاب کاری و عجله ای جهالت گفته نمی شود بلکه عجله ای که از روی عدم علم باشد به جهالت می کشد.
حرف راغب که جهالت به معنای عدم علم است تقویت می شود ؛ در اینجا کفه ترازو به نفع مخالفین که گفتند مراد از جهالت عدم علم است تقویت می شود.

و الحمد لله رب العالمین